

بر فراز آسمان برلین

اثر هنری ۱۹۸۷ ویم وندرس منظره‌ای غم‌انگیز از برلین ویران شده در اثر بمباران‌های ۱۹۴۵ و نیز چند دهه بی‌توجهی به وضعیت ناهنجار شهر را به نمایش می‌گذارد. در حاشیه صوتی فیلم شعری می‌شنویم که این شعر در تمام مدت طنین‌انداز است: «وقتی بچه هنوز بچه بود» و فرشتگان را ببین. روپوش تیره به تن دارند و حالت مهربانی ملایمی بر چهره‌هایشان نقش بسته است. آن‌ها به شهر و ساکنان آن نگاه می‌کنند. همه فرشتگان را می‌بینند به غیر از بچه‌ای که نگاهش متوجه پیکره‌ای در آسمان می‌شود و تنها اوست که می‌تواند آن را ببیند و ندایش را بشنود.

از تنظیم دوربین وندرس روی دو فرشتهٔ دانیل (با بازیگری برونو گانتس) و کاسیل (به بازیگری اتو زاندر) پیداست که فرشتگان هدف مشخصی ندارند. به نظر می‌رسد آن‌ها فرشتگان نگهبان حافظه، ثبت رویدادهای تصادفی و شنیدن طرز تفکر مردم باشند. گوش دادن به نقطه نظرات مردم یکی از صحنه‌های متحرک حیرت‌آور و اغلب ساختگی فیلم است که ما را به ترفیق اتویان می‌برد تا به درد دل طولانی تک تک رانندگان گوش فرادهیم. در یکی از حواشی عجیب و غریب فیلم، پتر فالک در حین فیلم‌برداری بازیگری خودش را در برلین به معرض نمایش می‌گذارد. او در خیابان این توانمندی را از خود نشان می‌دهد که قادر است حضور دانیل را در کنار خود احساس کند و با او دربارهٔ چیزهای عجیب کم‌اهمیت در زندگی مانند سیگار

کشیدن و قهوه خوردن به گفت و گو پردازد: «و اگر آن‌ها را با هم انجام دهید، عجیب و غریب می‌شود». نیک کیو هم در نقش خودش ظاهر می‌شود، منتها تا حدی ارتباط بیشتر برقرار می‌کند، این آدم واقعاً به درد فیلم سیاه و سفید می‌خورد.

این داستان بی‌سر و ته زمانی صورت ظاهر به خود می‌گیرد که دانیل تصمیم می‌گیرد به راستی از منزلت فرشته بودن سقوط کند و پس از افتادن در دام عشق ماریون (به بازیگری زلویگ دومارتین) هنرمند بندبازی، در هیئت انسانی فناپذیر در آید. در اینجا فرشته ناگهان روی خیابان‌های برلین می‌افتد و حال که او موجودی انسانی شده، فیلم رنگی می‌شود. دانیل در اطراف شهر با گام‌های بلند به دنبال عشق خود می‌گردد. او با حالتی حاکی از شادمانی خشکیده بر چهره‌اش همه جزئیاتی را که قبلاً توانسته بود مطالعه کند و حال می‌تواند آن‌ها را تجربه کند، مدنظر می‌گیرد. در همین موقع کاسیل با حالتی غم‌انگیز مشغول تماشای دنیای سیاه و سفید خودش است.

از این قبیل چیزها که تماشاگر معمولی می‌تواند بیننده آنها باشد تنها به همین مقدار موجود است. بسیاری گنه می‌کنند که فیلم خیلی کسل‌کننده، بسیار کند و فاقد یک طرح داستانی است. آن‌ها می‌خواهند دوربین کاملاً آزاد باشد و فرشتگان در اطراف برلین به گشت زدن و شنیدن طرز تفکر ساکنان شهر پردازند. هیچ عقل سلیمی نمی‌گوید که این یک فیلم تمام عیار است و به همین خاطر هر انتقادی که داشته باشید به احتمال بسیار زیاد درست است، به ویژه این واقعیت که در این فیلم در صحنه‌های آخر وقتی که به ماریون اجازه داده می‌شود درباره‌ی عشق و زندگی و نظیر آن به تفصیل سخن بگوید، با صدای گوش‌خراشی پایان می‌پذیرد. این توهینی است به آن دسته از تماشاگرانی که به خودشان اجازه داده‌اند در افسانه بافی و نندرس شرکت کنند. این فیلم در حسن پرواز در آسمان‌ها ما را روی زمین متوقف می‌سازد. فیلمی کاملاً ناقص، اما گوه‌ری ارزشمند برای کسانی که مایلند از آن پیروی کنند. از این دیدگاه پرواز بر فراز آسمان برلین را نیز می‌توان آخرین فیلم ارزنده (حداقل غیر مستند) دوران زندگی هنری و نندرس دانست.